

امریکا باید شاه مخلوع را به دولت ایران مسترد دارد

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران اشغال سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را تأیید و مذاکرات هیات نمایندگی دولت موقت با برژینسکی، یکی از توطئه گران اصلی بر ضد انقلاب ایران را محکوم میکند

فرمان امریکائیها بدست شاه خائن و دژخیمان بنخاک و خون فطینند، به اوج خود رسید.

در این روز میلیونها نفر از دانش آموزان و دانشجویان و سایر اقشار مردم، باردیگر جنایات امپریالیسم امریکا داعیه انقلاب ایران یکسدا محکوم کردند. در پایان تظاهرات ۱۳ آبان، گروهی از دانشجویان مسلمان پیرو امام، سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را اشغال کردند و عده ای از امریکائیان را به گروگان گرفتند و اسناد فراوانی از توطئه های امریکا از جمله در کردستان و خوزستان بدست آوردند. بقیه در صفحه ۲

در همان زمان که هیئت نمایندگی دولت موقت با برژینسکی توطئه گر مذاکره می کرد - و اینک معلوم شده است که این مذاکرات بدون اجازه امام صورت گرفته است - تظاهرات مردم ایران، در روز عید قربان، علیه توطئه های امپریالیسم امریکا بر ضد انقلاب ایران جریان داشت.

خشم و نفرت مردم ایران از امپریالیسم امریکا، این دشمن اصلی واقعی مردم ایران، روز ۱۳ آبان روز یادبود شهادت دانشجویان و دانش آموزانی که به



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۸۴
دوشنبه ۱۴ آبان ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰ ریل

زیرا مردم يك صدا ميگویند:

این شاه امریکائی،
در پیش پای ملت،
اعدام باید گردد

امام خمینی پذیرش شاه مخلوع را از جانب امریکا دوطئه بزرگ ارزیابی کرده و خواسته اند که امریکا را اوارادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار کنیم. این خواست امام، خواست توده های میلیونی، خواست همه نیروهای انقلابی، خواست انقلاب رهائی بخش ایران است و باید اجرا گردد. حزب توده ایران بنام دهها هزار شهید و پشون خفته، بنام هزاران شکنجه دیده و زجر بهیمی کشیده، بنام میلیونها ایرانی زحمتکش غارت شده و به فقر سپاه نشسته، بنام مردم ایران که بیش از یک ربع قرن در زیر منگنه ستمگری عذاب دیده اند، از دولت موقت جمهوری اسلامی ایران میخواهد که رسماً از دولت ایالات متحده امریکا، استرداد محمدرضا پهلوی را بعنوان خائن، جانی، قاتل، سر شکنجه گر و زود طلب کند. اجرای این خواست از طریق اقدام رسمی دولت، بر مبنای حقوق بین المللی، امکان پذیر است و باید تحقق یابد. ما به دادستان کل انقلاب اسلامی ایران پیشنهاد میکنیم که شاه مخلوع ولوغیابا محاکمه شود و حکم محکومیت او صادر گردد. کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳ آبانماه ۱۳۵۸

سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران، اشغال شد

دانشجویان مسلمان
پیرو امام خمینی:
رابطه با امریکارا
میخواهیم چه کنیم؟



سفارت امریکا در اشغال دانشجویان پیرو امام خمینی - اشغال کنندگان در پلاکاردهای بزرگی که بر سر در سفارت نصب کرده اند، نوشته اند: «ما دانشجویان مسلمان پیرو امام، بمنظور اعتراض به جنایات امریکا و پناه دادن شاه مخلوع، سفارت امریکارا اشغال کرده ایم»

□ آخر چگونه مزدوران توطئه گرا در میان خود در امان به بینیم، در حالیکه کشورشان امانگاه دشمن ما و قاتل صدها هزار خواهر و برادر در خون خفته مان شاه جنایتکار است؟

دانشجویان مسلمان پیرو امام خمینی که سفارت امریکارا اشغال کرده اند در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کردند:

تا استرداد شاه خائن،
اشغال سفارت
ادامه دارد

اسناد دخالت امریکادر
کردستان و خوزستان
در سفارت بدست آمد

■ آیت الله منتظری، حوزه علمیه قم و نمایندگان مجلس خبرگان اشغال سفارت امریکارا تأیید کردند

در صفحات بعد:

مردم ایران فریاد میزنند
مرگ بر امریکا،
و آقای بازرگان
با برژینسکی ملاقات میکنند...

سوالات حزب جمهوری اسلامی از نخست وزیر در صفحه ۲

در تظاهرات ضد امریکائی روز پنجشنبه:

جوان سرخ موی امریکائی
تصویر و پیام امام را پاره کرد

صفحه ۵

ضد اطلاعات در ارتش دوباره تشکیل شده است؟

توطئه خطرناک علیه مذاکرات کردستان

در ارتباط با توطئه امپریالیستی در سرحدات، توطئه خطرناک دیگری برای عقیم گذاشتن مذاکرات کردستان تدارک شده است. طبق خبری که بدست آورده ایم قرار بوده است دیروز دعات اطراف سرحدات بایک حمله شدید هوائی کوبیده شود، ولی بعلمت بدی هوا بتعویق افتاد است. باتجربه های که از شروع و تکامل حادثه یاد داریم، این توطئه اگر باموفقیت اجرا گردد، نه فقط مذاکرات کردستان را بهم خواهد زد، و حل مسالمت آمیز مسئله کردستان را با شکست دربر خواهد ساخت، بلکه آتش جنگ برادر کشی را دوباره برخواهد آفرخت و عواقب خطرناک و دردناک چنین جنگی کاملاً روشن است. ما به همه نیروهای انقلابی هشدار میدهم که این توطئه را انشاء کنند عقیم گذارند.

اطلاعات ارتش تجدید سازمان شود این سازمان مستقیماً در رابطه با اداره دوم ارتش قرار گیرد؟ انتشار این خبر، که موجب نگرانی شدید افسران میهن دوست شده است، مایه نگرانی عمیق مردم ایران نیز هست. مادرا انتظار پاسخ وزارت دفاع و ستاد ارتش در این زمینه هستیم.

آیا درست است که: از طرف ستاد ارتش، افسران کادر قدیم ضد اطلاعات، که تربیت شده دستگاههای جاسوسی سیا و موساد ساواک هستند، به یگانهای ارتش فرستاده شده اند و قرار است زیر نظر این افسران، سازمان شود.

آیا درست است که: بدستور وزارت دفاع و ستاد ارتش، سازمان منفور ضد اطلاعات ارتش، که نقش جهنمی ساواک را در ارتش طاغوتی ایفا میکرد، دوباره با دست چینی از همان کادر قدیمی ارتش فرستاده شده اند و قرار است در حال ایجاد شدن است؟

بازهم می گوئیم:

ادارات را پاکسازی کنید!

پاکسازی کنید! - ادارات را از عوامل رژیم سابق پاکسازی کنید!

این جملات، که یکی از مهمترین وظایف جامعه نو، ایران را هدف گرفته، از فرط تکرار خسته کننده شده است. اما یاران انقلاب نباید خسته شوند. ما هم خسته نمی شویم. مردم، هر چند جملات بالا شکل کلیشه ای ثابت هم گرفته باشد، تا این مهم به انجام نرسد، نه خسته می شود نه فراموش می کند. این استقامت وقتی چند برابر می شود که رهبر انقلاب هم هم مدام پاکسازی جامعه و بویژه پاکسازی دستگاه های دولتی را طلب می کند، از جمله، باید ادارات ما تصفیه شود از آن خان هالی که الان هم به نفع رژیم سابق (هستند) پاک عمل می کنند و یا ضدش عمل می کنند. (از سخنان امام با دانشوران اینچنین اسلامی دانستگاه مغربی - اطلاعات، هفتم آبان)

اینهمه پاکسازی انقلابیون برای پاکسازی دستگاه های دولتی بی دلیل نیست. آخر شوخی که نیست. فرزند روزی هم نیست. این واقعت مثل آفتاب روشن است که دستگاه عریض و طویلی بنام ساواک، با ۸۰ هزار جاسوس ریز و درشت، تا چند ماه پیش بر سر نوشت این مملکت حاکم بوده و همه جا اعمال این دستگاه جهنمی کار می کرده اند. تعداد چشم و گوش های شاه مخلوع، صد البته در دستگاه های دولتی، بملت حساسیت کار در آنها، چند برابر بوده است. حال که ساواک منحل شده، آیا این «آقایان» آب شده اند و زمین رفته اند یا آب شده اند و زمین رفته اند و باقی روی سرشان ریخته اند و تا گمان مؤمن «مؤمن» شده اند؟ آنهم مؤمن به انقلاب و مؤمن به اسلام؟ هر کودکی می داند که اینطور نیست. این «آقایان»، بقیه از دست بالا چند صد تا بیشان که دستگیر شده اند و یا فرار کرده اند، در میان مردم آزادانه می گردند. آزادانه می گردند، اما بی کار نیستند.

در ادارات دولتی، از بیت المال حقوق می گیرند و توطئه می کنند. از نحوه عملشان معلوم است که منفرد عمل نمی کنند. این «دیده های گندیده» از ناپه گیری بسیاری از مسئولان امور استفاده کرده اند و نظر کارشناسان «سیا» که مخفیان در ایران فعالیت می کنند، بهم رسیده اند. انقلاب نان آنها را آجر کرده، آنها هم می کنند سرانقلاب را زیر آب کنند. این مردان دودوتا چهار تاست چاره کار هم روشن است، باید جاسوسان کارگشته شاه امپریالیسم را از میان مردم، بویژه از دستگاه های اجرایی، ریشه کن کرد. این کار سختی هم نیست. لیست ساواکها در دست دولت است. پاکسازی عناصر سر دشمن در دهها دانشکده و سازمان، آب را هم از آب تکان نداده و ثابت کرده که پس از «بهم خوردن» دستگاه دولت بی دلیل است.

فرار از پاکسازی ادارات کمک مستقیم به ضد انقلاب است و دوش به چشم انقلاب می رود. هر چه بیشتر تملق شود، دستگاه های عریض و طویل کارکنی ساواک در سداجا، مانند وزارت بازرگانی - ها، قدرت خواهد گرفت. همیشه هم معلوم نیست بتوان این دستگاه را کشف کرد. ما بازهم می گوئیم: - بخاطر انقلاب، ادارات را از عوامل دشمن پاکسازی کنید!

بازی تازه آمریکا در کره جنوبی.

«سیا» یکی دیگر از مهرهای خود را بخاطر حفظ تسلط امپریالیسم آمریکا در کره جنوبی، قربانی کرد

رئیس جمهور دست نشانده آمریکا در کره جنوبی، پارک چون هی، روز هشتم آبان بدست کیم و کیو، رئیس سازمان امنیت این کشور به قتل رسید. طبق اخبار رسمی از سئول (پایتخت کره جنوبی) پارک چون هی گویا تصادفاً پس اثر تیراندازی که در مجلس عهده داری میان رئیس سازمان امنیت و محافظان رئیس جمهور در گرفته، به قتل رسیده است!

اما این واقعت شکست انگیز است که در این درگیری رئیس جمهور و پنج نفر محافظ وی کشته می شوند و به رئیس سازمان امنیت هیچ گونه آسیبی نمی رسد! در اخبار بعدی اظهار نظر شده است که قتل رئیس جمهور مقدمه یک کودتا بوده است. بلافاصله پس از قتل رئیس جمهور، در اسراس کره جنوبی حکومت نظامی اعلام شد و حاکمیت عملاً به دست ارتش و رئیس ستاد آن «تن سون خوا» افتاد و نخست وزیر، سوی کیوخوا، بجای رئیس جمهور تعیین گردید.

ارتش ۳۸ هزار نفری آمریکا نیز، که در کره جنوبی مستقر است، بحالت آماده باش درآمد. کاتر رئیس جمهور امریکایی پیامی که برای سوی کیوخوا، جانشین رئیس جمهور کره جنوبی ارسال داشت، تاکید کرده است که آمریکا تعهدات خود را نسبت به کره جنوبی انجام خواهد داد. این تعهدات عبارتند از تقویت دفاع مشترک، ایجاد پایگاه های نظامی جدید، ساختمان کارخانه های اسلحه سازی و اجرای عملیات مشترک خرابکاری و ترهیک آمیز در این منطقه.

سازمان امنیت کره جنوبی در حقیقت شبه ای از «سیا» است که ایالات متحده آمریکا در کره جنوبی تاسیس کرده است و این واقعت چنان آشکار است که خود اهالی کره جنوبی سازمان امنیت

را شعبه «سیا» در کره جنوبی می نامند، بدین ترتیب روشن است که قتل پارک چون هی رئیس جمهور کره، بدست رئیس ساواک امنیتی است که از «سیا» صادر شده است و اما این مطلب جالب توجه است که چرا «سیا» به این نتیجه رسیده است که یکی از سرسپرده ترین مهره های خود را قربانی کند!

علت آنست که در ماه های اخیر گسترش و عمق تظاهرات اعتراض آمیز همگانی خلق کره علیه رژیم دیکتاتوری خون آشام پارک چون هی، که امپریالیسم آمریکا به این کشور تحمیل کرده بود، واکنشگر را سخت نگران می کرد دامنه این تظاهرات بیجانی رسیده بود که نه تنها این رژیم دیکتاتوری دست نشانده را به سرنگونی تهدید میکرد، بلکه خطر آنرا داشت که به مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی آمریکا در کره جنوبی ضربه های سنگین جبران ناپذیری وارد سازد.

مفسران سیاسی این مطلب را خاطر نشان میکنند که قتل رئیس جمهور کره، پس از بازگشت سفیر آمریکا به سئول، روی داد. آمریکا سفیر خود را به نشانه عهده ریاضت از اوضاعی که در کره جنوبی پیش آمده بود، از سئول احضار کرده بود. سفیر آمریکا پس از بازگشت به سئول، چند ساعت قبل از وقوع قتل رئیس جمهور کره جنوبی، با رئیس سازمان امنیت کره جنوبی ملاقاتی انجام داد و مسلماً در این ملاقات سرنوشت پارک چون هی، که سالیان سال مردم ستم دیده و استعمار زده این سرزمین را بخاطر حفظ منافع امپریالیسم آمریکا به بند کشیده بود و کشور را به زندان و شکنجه گاهی بزرگ برای زحمتکشان و نیروهای میهن پرست تبدیل ساخته بود، معلوم شده است.

این واقعت بار دیگر موبد آنست که امپریالیسم آمریکا و ارگانهای جاسوسی و آدم کشی آن، در جایی که پای منافع آزمندانه این امپریالیسم جهان خوار در میان باشد، نسبت به دوستان و خدمت گزاران وفادار خود هم کوچکترین ترحمی ندارد.

آیا راست است که:

در سالن پذیرایی شهرداران تهران، عکس نیک بیس، با تمام قطور، بانظم خاصی خود نمایی مدالهایی که از شاه مخلوع گرفته، می کند، که بر روی آنها نوشته شده: نمایانتر از سایر شهرداران پوچش نطقها، بیامها، مصاحبه ها و بیانات اعلامی حضرت همایون محمد میخورد ۱۱ در ویشین کتابخانه سالن - رضا پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران ۱۳

اخبار دهقانی

دهقانان روستای «ملارد» اصلاحات ارضی محمدرضا شاه را محکوم میکنند

روستای «ملارد»، در نزدیکی کرج را شخصی نام «کهید» غصب کرده بود. دست و حاصلخیزی این ده، پنج برابر یک روستای متوسط این حدود است. در اصلاحات ارضی محمدرضا شاه از آنهمه زمین، فقط حدود شصت هکتار به دهقانان رسید، در صورتی که هزاران هکتار زمینهای مرغوب و حاصلخیز همچنان در دست مالک باقی ماندند مالک از این زمینها ستمگر ساخت پس از انقلاب نیز نه از طرف وزارت کشاورزی و نه از جانب بنیاد مستضعفین، اقدامی بود دهقانان انجام نشد. فقط عده ای خرده مالک و دهقانان نسبتاً مرفه بفرمانداری شکایت بردند. شخصی بنام «رفتی»، که در دادگستری کرج قبلاً از طرف زمیندار بزرگ محکوم شده بود، تجدید دعوی کرد، بهر حال پرونده اصلاحات ارضی «ملارد» را شورای دهم مجدداً مورد بررسی قرارداد و به این نتیجه رسیده است که املاک وسیعی را که زمیندار بزرگ غصب کرده و دهقانان را از آن محروم کرده است، باید بین دهقانان تقسیم شود.

در مطبوعات کشور

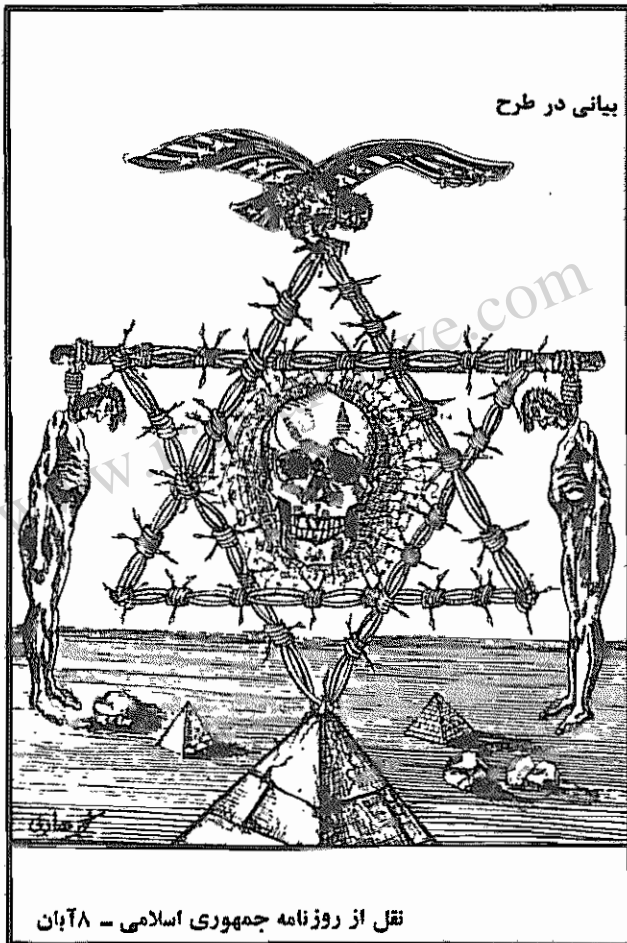
مسأله کردستان راه حل قهر آمیز ندارد

مسأله کردستان به هیچ وجه در مجموع خود راه حل قهر آمیز نداشته و تنها با به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت و اداره امور داخلی برای خواهران و برادران عزیز کردمان بسمت حل، سوق داده میشود. مبارزین اصول کردستان نیز تنها بایست زدن خواسته های منطقی خود با کمال جنبش رها پیش و ضد امپریالیستی سراسر ایران (که بایستی در درجه اول مملوح نظرشان باشد) به دستکاری ملی مردمی خواهند رسید. والا در شرایط و اوضاع واحوال سیاسی و اجتماعی کنونی مواجهه قهر آمیز به سود هیچکس جز امپریالیسم نیست. (مجاهد - ۲۳ مهر)

توطئه های شوم امپریالیسم آمریکا

هفته گذشته، از یکی از نقشه های شوم خطرناک امپریالیسم آمریکا پرده برداشته شد و شاهد آن بودیم چگونه عوامل وابسته به امپریالیسم قصد خارج کردن دهها صندوق از اسناد مهم مملکت را داشتند. بیشک آنچه که برای ما متعجب انگیز و حیرت آور است، نه عملکردهای شوم امپریالیسم آمریکا در این مرحله تاریخی از انقلاب ما و نه توطئه های عوامل ارتجاع و استعمار جهانی بی ای نا بودی و به آنجا که کشتادن انقلاب خونین ما - که اساساً توطئه ها و نقشه های شوم عوامل استعمار امپریالیسم جهانی در این مرحله بخاطر از دست دادن منافع عظیم خود امری طبیعی و قابل پیش بینی است - بلکه سکوت دولت موقت در برخورد با این توطئه های خطرناک است.

بیشک دستیابی به مزدوران استعمار با این اسناد و مدارک مهم که شامل نقشه های بیمارستانهای تهران، نوارهای مکالماتی مهم کشور، اسناد و مدارک ارتش و مخا برات، نوارهای کلمپوتر نیروی هوایی و... بود، خطرات عظیمی را متوجه ملت ما میکرد که معلوم نیست چه کسانی از مسئولین دولتی جواب گوی واقف بعدی آن بودند؟! چرا دولت موقت برای خنثی کردن توطئه های جریانی این نقشه های شوم نمی گذارد؟! چرا دولت موقت اسامی این مزدوران را برای



نقل از روزنامه جمهوری اسلامی - ۲۸ آبان

پذیرش شاه مخلوع، توطئه دیگری از آمریکا

آنچه مسلم است احضار محمدرضا پهلوی به نیویورک و اظهار نظرهای رسمی آمریکا نشان از طرح ریزی توطئه ای دارد که باید هر چه زودتر و با شدت آن مقابله کرد زیرا آمریکا هنوز در خیال برقراری تسلط خود بر ایران است و به موازات حرکت های مذبحانه ای که در صحنه جهانی علیه انقلاب ملت ایران انجام میدهد، بدست عواملی که همچنان در ایران باقی مانده اند و با بالابال انقلابی، پس از انقلاب به ایران سر اریز شده اند، در فکر پیاده کردن توطئه ای خود می باشد. و این توطئه با اعمالی که برای ایجاد نارضایتی در میان مردم انجام می گیرد، گام بردار توطئه است. در این میان مردم از دست اندرکاران سیاست خارجی کشور سخت در تنبید، زیرا واکنش وزارت امور خارجه دولت انقلابی پس از حضور شاه در آمریکا، اگر بگوئیم مضحك، بسیار ساده و در حد تمارن های دیپلماتیک بود. ما بارها تاکید کرده ایم که هنوز سیاست خارجی ایران برای مردم روشن نیست و بسیاری از اعمالی که در چارچوب سیاست خارجی انجام می شود از سوی مردم با اعلامت سوال و تردید رو بر روست.

جالب اینجاست که در اعلامیه رسمی وزارت خارجه ایران آمده است که گردانندگان دیپلماسی ایران از رفتن شاه مخلوع به آمریکا اطلاع داشته اند! حاشا به شما که اینگونه از منافع ملت انقلابی ایران در صحنه بین المللی حراست میکنید! ما از شما مردم مسلمان ایران، از همه ایرانیان می خواهیم که کاملاً هشیار باشند و آماده مقابله با توطئه هایی که در حال تکوین است. هشیار باشند و از دستاوردهای انقلاب پاسداری کنند. (اتحاد بزرگ - ۲۸ آبان)

بعد از شاه نوبت امریکاست

این شماری بود که فردای فرار شاه از کشور، میلیون ها دهان آنرا فریاد می کردند. شمارهای ملت سرشار از زیبایی و جامعیت شور و سراحت بوده است. پاره ای از شمارهای خلق چنانست که شنونده دیر یازود در می یابد بهتر از این نمیشد چیزی گفت. این سخن حقی است که از دهان ملت بر می آید و حق کلامی است که ملت می گوید.

وقتی شاه از ایران گریخت این حقیقت برای مردم مسلم بود که جامعه شاهی هنوز پایرجاست. جامعه ای که شاه مخلوع و پند مملویش در طول پنجاه سال بی ریزی کرده بودند، بر اثر نهیب انقلاب در آستانه لرزیدن بود، اما از کاشش فرو نریخته بوده بعداً هم بر اثر مسامحه و تملق های که شد و با روح انقلاب سازگار نبود، پایه های لرزان جامعه شاهی یعنی ظلم و فساد و فشار و فقر و جهل بر جاماند. در واقع نظام فاسدی که آمریکا طی چند دهه در ایران مستقر کرده بود، نظامی نبود که با رفتن شاه فروریزد، بلکه چنان ریشه دار و فاسد کننده بود که میتوانست شاه و شاهک های دیگری را بپروراند، چرا که آمریکا استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ما را در بند و اماندگی و وابستگی محصور کرده بود و راهائی از آن جن به مبارزه بی ایمان که سالها در ازادامه داشته باشند و تمامی نیروی ملتی را در جبهه این مبارزه بخواهد، میسر نبود.

وقتی که حکومت جمهوری اسلامی آغاز شد، امام در مقام رهبری این جمهوری، همواره «آمریک» را به عنوان دشمن اصلی ایران و اسلام و عامل ویرانی و نابودی این کشور و بدبختی امت معرفی کرده است و در خطابه های متعددش تمام توطئه های داخلی و خارجی را که بر ضد ایران و اسلام میشود از سوی آمریکا و عوامل داخلی و خارجی اش دانسته است. آخرین خطابه امام درباره آمریکا با سرحا پاد آور این نکته بود که آمریکا دشمن ما مسلمین است و در صدد توطئه گران بین المللی علیه ایران قرار دارد. (اطلاعات - ۹ آبان)

اگر نتوانیم دست فتودالها را کوتاه کنیم...

اگر دولت بازرگان نتواند سریع به مسأله مالکیت و تمرکز آن در دست فتودالها و دیگران بنالحق تروتمند شده، اجرا میشد، سیر انقلابی معنی پیدا میکرد و مردم کشور با قتل و درایت انقلابی میدانستند که تغییرات يك شبه انجام نمی گیرند و زمان لازم است. اینک بی دیر شده است. با وجود این اگر متناسب با ضرورتها، عمل کنیم و رهبری اجرایی توانمندی بایستد انقلابی، با برنامه عمل انقلابی بوجهود آوریم، در ازی زمان عمل، خاطر شتاب زده را محکوم نمی کند، چه رسد به همه مردم. (انقلاب اسلامی - ۲۸ آبان)

انقلاب باید نظام پیشین را به نظام نو تبدیل کند

انقلاب پیشرفت نکرد. بنیادهای رژیم سابق بر جاماندند و بتدریج اساس کارشان استحکام پذیرفت. و این دوام، موجب تهدید و تحدید آزادیها و توسعه توطئه ها و مشکل تر آنها شدند و اوضاع را بی بی سوق دادند. در این باره ما بدفیات نوشتنیها را نوشته و گفتنیها را گفته و هشدارها را داده ایم.

اینک جوانان کشور از شورای انقلاب می پرسند چه میکنند؟ عسای دست کیست؟ و چرا به مسئولیتهای خود قیام نمیکنند؟ در پاسخ به این پرسش سخت مهم و اساسی، جسز این، چه میتوان پاسخ داد که با توجه به اینکه اوضاع کشور و جندی است، دولت و شورای انقلاب باید از دوگانگی، بیک گانگی گریزند و طرحی را که از نخست هر بار به جهاتی کنار گذارند، بجه پیش کشند و یک رهبری اجرایی همنانک برای تصدی انقلاب همجانبه در نظام سابق وجود آورند. برای اینکه نخست باید برس بر نامه عمل توافق شود کسانی که با انجام این برنامه توانا هستند بکار دعوت شوند. این رهبری باید حامل پیامها و امیدهای نو و عامل ایجاد وحدت در تصمیم گیری و عمل باشد. بدیهی است که با برجاماندن مراکز تصمیم گیری در کشور، در مناطق وحی در شهرها، رهبری اجرایی جدیدی در کار خویش موفق نخواهد شد.

بنظر ما نه تنها اوضاع کشور بوجود آوردن این رهبری را برای تصدی امور کشور ضرور می گرداند، بلکه در طول دوره تصدی آن نیز اثری تعیین کننده دارد. در حقیقت رفتار حاکم بر مصدیان امور از این چنین میسازد میگرفت که سرنگونی رژیم، پس از انقیام مردم است و باید در نظام جدید، انتخاباتی انجام پذیرد و کما جریان عسادی پیدا کنند. حال آنکه ملت انقلاب کرده بود و انقلاب باید نظام پیشین را به نظام نو بدل میساخت و اگر از ابتدا بر نامه دولت و شورای انقلاب بر اساس ضرورت دگرگونی بنیادی نظام اجتماعی تنظیم و اجرا میشد، سیر انقلابی معنی پیدا میکرد و مردم کشور با قتل و درایت انقلابی میدانستند که تغییرات يك شبه انجام نمی گیرند و زمان لازم است.

اینک بی دیر شده است. با وجود این اگر متناسب با ضرورتها، عمل کنیم و رهبری اجرایی توانمندی بایستد انقلابی، با برنامه عمل انقلابی بوجهود آوریم، در ازی زمان عمل، خاطر شتاب زده را محکوم نمی کند، چه رسد به همه مردم. (انقلاب اسلامی - ۲۸ آبان)

در اجتماع بزرگ کانون دانش آموزان ایران بمناسبت سالروز ۱۳ آبان:

وحدت دانش آموز سلاح محکم ماست تفرقه و جدائی سلاح دشمن ماست

آمریکا، آمریکا، دشمن اصلی ما

ضد انقلاب را نیز خنثی سازد.
نفر بعدی دانش آموزی بود
که یکی از سروده های خود را
خواند. شعر با این سطور پایان
می گرفت:
جان را چون گل
بر خاک نهادند
تا ما،
آزادی راه،
- اندک یا بیش،
از گورستانها
تا گوربوره ها ارمغان آوردیم
ایک،
ما نیز،
با جان و جوانیمان
آری،
پاس بداریم،
پاس بداریم،

بعد از پایان شعر اعلام شد که
فریدون تنگانی سخن می گوید.
جمعیت با کف زدن طولانی و
فریاد:

- درود بر معلم مبارز!
از تنگانی استقبال کرد. او
در سخنان خود از جمله گفت:
دربار دانش آموزان و معلمان
امنیّت درس خواندن و درس دادن
باید وجود داشته باشد، باینصورت
که هیچکس را به خاطر عقاید
سیاسی، به این بیانه که مسئولان،
آن عقاید را نمی بینند، نباید
از درس خواندن و درس دادن
محروم کرد.

تنگانی افزود:
«باید بین انقلاب و ضد انقلاب
مرز کشید، نباید گذاشت ضد
انقلاب در آموزش و پرورش ما
رسوخ کند. آزادی باید برای
همه باشد، غیر از ضد انقلاب،
چون آنها مشروعیت خود را برای
داشتن آزادی از دست داده اند.
باید ضدانقلاب واقعی را شناخت.
ناید به هر حرف قورا برچسب
ضد انقلاب زد.»
بعد از سخنان تنگانی، پیام
کانون دانش آموزان ایران در
کرج خوانده شد و آنگاه سیاوش
گسرازی در میان شعار:
- درود بر تو شاعر مبارز!
به صحنه آمد و چند شعر
خواند.

جمعیت، شاعران و سخنگویان
را با شعارهای:
- شهیدان محصل، در اهتقان
- کوشایی
- اتحادیه سراسری ایجاد یابد
گردد، شوراها واقعی برپا یابد
گردد
- آمریکا، آمریکا، دشمن
اصلی ما
- وحدت دانش آموز، سلاح
محکم ماست، تفرقه و جدائی،
سلاح دشمن ماست
استقبال و بدرقه می کردند.

مردم
ارگان مرکزی
حزب توده ایران
نشانی: خیابان ۱۶ آذر - شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸۹۳۳۴۵۹
چاپ، کلابان



گوشه ای از اجتماع بزرگ کانون دانش آموزان ایران بمناسبت روز دانش آموز، سالگشت روز خونین ۱۳ آبان، در آمفی تاتر دانشکده فنی دانشگاه تهران

آنها آسان تر می کنند. خویشتن وارد میدان شده و بر افراطیون چپ و چپ نمایان تمامی خواستهای بحق دانش بآوردن شمارهای تحریک آمیز به راست گرایان این اجازه را می دهند که با شعارهای ضد مردمی

پیام کانون دانش آموزان ایران به مناسبت ۱۳ آبان

یکسال از جامعه خونین ۱۳ آبان می گذرد. در پیوجوه اعتصابات سیاسی گسترده و سرتاسری مردم دلیران، بار دیگر رژیم سفاک پهلوی دست به کشتاری وحشیانه زد و تن ۶۵ تن از دانش آموزان و جوانان رزمندگان را آماج گلوله های امریکائی و اسرائیلی قرار داد.

شاه مخلوع و اربابان امریکائی او با توسل به اینگونه اعمال ننگین و با انگه به چکمه های خون آلود او سی و هفت هزار و هشتاد و نه تن از دانش آموزان را کشته و زخمی کرد. این اقدامات را موقوف سازند تا بدین ترتیب بساط غارتگری و چپاولشان پابرجا بماند. اما خلق پیا خاسته ما راه خود را یافته بود و در دین راه سخت و مقدس، خون شهیدانش کمترین ایثار بود...

ما اکنون به یاد آن به خون خفتگانی می نشینیم که بزرگان کوچک تاریخند، بدانش آموزان انقلابی که در سال گذشته پرورش و پرورده گران سیر افکار و طریقات انقلابی ایران از پا نشنستند. ما یاد آن شهیدانی را که می مداریم، که با چکمه های کوچک و نهوشان سنگری استوار در برابر شیوخ و نهادهای ناچوانه رده رژیم ساختند. یاد آن شهیدانی را که ما می داریم که کلاس و درشان را در میان آتش و خون برپاداشتند و در تاریخ را در یکار عادلانه مردمان بر علیه هر چه ظلم پرست بود، فرا گرفتند و افسار را در هیچی کردن انقلاب آموختند.

اکنون یکسال از آن حماسه خون و زندگی میگذرد و ما شاهد میراث گرانبهای همه شهیدان راه استقلال و آزادی ایران هستیم. در این یکسال انقلاب، به دستاوردهای چشمگیری نائل آمده است، ولی هنوز با مشکلات و نارسائیهای فراوانی روبرو هستیم. آرمانهای

دولت بهانه میدهد

روز دوشنبه ۷ آبان گروهی از دانش آموزان دبیرستانهای تهران به راهپیمایی در خیابانها پرداختند و سپس در محوطه دانشگاه تهران گرد آمدند. در جریان دورگیری میان این گروه و گروه دیگر، عده ای از دانش آموزان مجروح شدند. دانش آموزان با شعارهای برجسته شدن مدارس ملی، بازپرداخت شهریه ها، آزادی فعالیت های سیاسی و همچنین یک سلسله شعارهای سیاسی مشکوک تظاهرات کردند.

«مردم» در آغاز سال تحصیلی به دولت کرا را هشدار میداد که مشکلات قابل علاج مدارس را عاجلا حل کند، درباره تبدیل مدارس ملی به مدارس دولتی تصمیم قاطع بگیرد، شهریه ها را حذف کند، تا ضد انقلاب و گروه های راستگرا و چپ نما نتوانند از احساسات خام جوانان ما سوء استفاده کنند و جنجال بیافزینند. متأسفانه دولت به خواستهای مردم و هشدارهای ما توجه نشان نداد. مدارس ملی بر سر جای خود باقی ماندند، در مدارس دولتی نیز پرداخت شهریه، که ادریه دوران طاغوت بود، باقی ماند و با آنکه از عده ای از خانواده های کج درآمد وصول نشد و با تعقیف وصول شد، اما اصل دریافت شهریه در مدارس دولتی، که مورد قبول مردم نبود، بر سر جای خود باقی ماند.

از آغاز سال تحصیلی، سفحات روزنامه ها گواهی شکوه خانواده ها و شکایت دانش آموزان از وجود مدارس ملی و دریافت شهریه بود. در این خود همداری بود، اما متأسفانه دولت بازمه باین اعتراض بجای عمومی توجهی نشان داد و بر سر

در سالروز شهادت دهها دانش آموز و دانشجو بدست دژخیمان شاه، در روزی که توده ها به پاس جانفشانی دانش آموزان، آنرا روز دانش آموز نام داده اند، در سالگشت روز خونین سیزدهم آبان ماه، کانون دانش آموزان ایران در آمفی تاتر دانشکده فنی دانشگاه تهران مراسمی برگزار کرد.

در این مراسم، که گروه کثیری از دانش آموزان و دانشجویان در آن شرکت داشتند، فریدون تنگانی سخن گفت و سیاوش گسرازی چند شعر خود را خواند. مراسم وقتی آغاز شد که آمفی تاتر دانشکده فنی و راهروهای اطراف آن لریز از جمعیت بود. آغاز مراسم با یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت خاطره شهیدای ۱۳ آبان همراه بود و بعد از سکوت، دانش آموزی زیر شعار چشمگیر گرامی یادخاطره تابناک شهیدای سیزدهم آبان که بر سینه دیوار می درخشید، پیام کانون دانش آموزان ایران را خواند. جمعیت، قرائت کننده پیام را با شعار:
- آمریکا، اسرائیل ننگ به لیرنگتان
- خون جوانان ما می چکد از چنگتان

بدرقه کردند و آنگاه دوشنبه دانش آموز، شبنم، در میان فریاد احساسات جمعیت دو شری را که سروده بود قرائت کرد و پس از او دانش آموزی، بعد از شرحی درباره تاریخ مبارزات دانش آموزی ایران، گفت:
«... انقلاب به پیروزی رسید و رژیم دیکتاتوری سلطنتی سرنگون شد.

در این مرحله وظایف نوینی در برابر جنبش دانش آموزی قرار می گیرد. وظایفی که باید در هدفتها و برنامه انقلاب خلاصه شود. اکنون انقلاب تاریخی مردم ایران خواهان کوشای دست امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، نابودی کامل بقایای رژیم سلطنتی، تأمین رفاه و آسایش کامل زحمتکشانش و روستا، تأمین برقراری آزادیها و حقوق دیکر آنیک در سطح جامعه است. همان وظایفی است که باید جنبش دانش آموزی - بعنوان بخشی از جنبش عمومی خلق - به آن بپردازد. باید برای رسیدن به این اهداف در راه اتحاد همه نیروهای خلقی و ضد امپریالیستی بمنایه وسیله ای که تقسیم کننده واقعی پیروزی انقلاب است، کوشید.

در کنار این مبارزات سیاسی که پرداختن به آن وظیفه کنونی ماست - جنبش دانش آموزی باید به دفاع از حقوق مسلم کلیه دانش آموزان نیز بپردازد. ما بر این عقیده ایم که این مبارزات تنها با شکل و اتحاد دانش آموزان به پیروزی قطعی و نهائی خواهد رسید و تنها با پیگیری علمی و عملی به این نیاز مبرم نیز «اتحادیه سراسری دانش آموزان» ایران است.

سخنران دریایان گفت: «دانش آموزان مومن به انقلاب! در راه تأمین این اتحاد، برای حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب تاریخی مردم ایران بیگیران به کوشید! بکوشید و باز هم بکوشید!»
سخنران در میان فریاد شعار: - محصل، محصل پیش به سوی وحدت!
به سخنان خود پایان داد و دانش آموز دیگری درباره آشتیگانی های آموزشی ایران سخن راند و از جمله گفت:
«دهها سال سلطه رژیم وابسته به امپریالیسم بر تمامی شئون جامعه ما کوهی از مصائب و مشکلات برای مردم ایران آفرید. با پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم ننگین شاه - آمریکا، مردم

حقایق درباره افغانستان باید گفته شود

نامه زیر را یک وطن پرست صادق افغانی برای چاپ در روزنامه مردم نوشته است، که ما عیناً آنرا نقل میکنیم. اینها حقایقی است که با سادهترین و صادقانهترین کلمات در این نامه بیان شده. اینها ضمناً تنها گوشه ایست از حقیقت بزرگی که در کشور دوست و همسایه خلق ایران در جریان است، ولی دستهایی در تلاش است تا این حقیقت را از گوشه تفسیر و تعبیر شود.

نام نویسنده نامه عبدالرحمن انور است، که پس از سالها در بدری دایران، پس از پیروزی انقلاب در افغانستان به مین خود بازگشته و اکنون برای وصول مطالبات خود از شرکتی که در آن کار می کرده، سفری کوتاه با بران کرده است.

عبدالرحمن انور در ابتدای نامه خود نوشته است: «این نامه را خطاب بهم آنهایی که سیدان در رابطه دولت و دولت انقلابی و همسایه را تیره کنند و از آب گل آلود برای اربابان نشان ماهی بگیرند، نوشته ام و برای تمام روزنامه های مهم ایران پست کرده ام، ولی تاکنون هیچیک از آنها آنرا چاپ نکرده اند»

عبدالرحمن انور سپس می نویسد: «سالها پیش، که قزوین و بکری در افغانستان با وجود رسیدن بود، برای یافتن کار و تامين زندگي همسر و پسر و مادر پيرم، راهي ايران شدم و هر چند ماه يكبار مقداري پول براي ايشان مي فرستادم افغانستان. پس از پیروزی انقلاب در افغانستان در سال ۱۳۵۷، که بحرانهای ناشی از جوش انقلابی در ایران بالا گرفته بود، راهی کشور خود شدم. شش ماه بعد در آنجا وضع دگرگون شده و ظالمها فرار کرده اند و دولت سرعت برای بگردان ایجاد کار می کند. در ابتدای ورود به افغانستان و روستایی که در آن زاده شده ام، چهره روستا علی بابا را دگرگون دیدم. جاده اسفاله و ساختمانهای نوساز مدارس و بهداشتی باعث تعجب شد. سالها آرزوی چنین چیزی هائی را داشتم. مراد محمد، روحانی قدیمی روستا همچنان در روستا زندگی می کرد و بکسک دولت مسجد قدیمی روستا را تعمیر کرده و دستی به سر و روی کشیده بود. ابتدا فکرمی کردم این وضع فقط شامل حال روستای ما شده است، اما بزودی فهمیدم چنین نیست. برای مثال در روستایی که فقط چند کیلومتر از ما دور است، روستاییان بکسک دولت سرگرم برپای یک کسک خاکی بودند تا آب لازم برای کشاورزی تامین شود. در همین روستا ساختمان یک مدرسه بزرگ در حال انعام بود.

تمام آنچه را که می دیدم و می شنیدم، با آنچه که در ایران گفته بودند، واقعاً هماهنگی نداشت. کدخدای روستای ما گفت، ما هم ابتدا فکر می کردیم همه و همه هائی که دولت می دهد ما ندانند دولتهای گذشته پوچ است، اما پس از مدتی دیدیم وعدهها بحقیقت تبدیل می شود. کلاس های مبارزه با بسواد یکی بعد از دیگری در روستاهای منطقه برپا شد. برای مثال همین ده خودمان «علی بابا»، بعد از انقلاب زمینهای کشاورزی با تراکتور هائی که متعلق به دولت است، شخم زده شد. این زمینها را دولت از مالکین گرفته و در اختیار روستاییان گذاشته است. روستا با کسک دانش آموزانی که از شهر آمده بودند، می شایه شد و مرکز درمانی کوچکی که می بینی، بکسک دولت برپا گشت. حالانجا روستا تقسیم برای مرآجه به پزشک و درمان بیماران در پنج شهر را تحمل کنند.

من فقط چند روز پیش از ورود به روستایمان و پس از مرآجه به شورای ده، که بعد از انقلاب شکل گرفته است کار پیدا کردم و حالا فقط چند روزی مرخصی گرفته ام تا بیایم ایران و طلم را، که ۷ هزار تومان است، از شرکتی که قیلا در آن کار می کردم، وصول کنم و بازگردم. بگذاردید باز هم از افغانستان جدید برایتان بگویم. افغانستانی که پس از سفر کوتاه و مجدد به ایران متوجه شدم در باره آن داستانهای بی انتها می شنیدم، در افغانستان واقعاً عدهای از این وضع ناراضی اند و در کار دولت کارشکنی میکنند، اما میدانید آنها چه کسانی هستند؟

در درجه اول مالکین و فئودالها، که زمینهایشان را دولت گرفته و در اختیار روستاییان گذاشته است و بعد عدهای روحانی نما که در گذشته در خدمت مالکین بودند و از منافع آنها در شهرها و روستاها دفاع می کردند. مایشورین مالکین، قاچاقچیها، واسطه های املاک و دباخانان نیز، که تعدادشان در گذشته کم نبود، در کنار باجگیرهای دولت قبل از انقلاب، در کنار این مالکین ایجاد پول و آسوب می کنند. روستاییان هنوز باطل دارند که همین باجگیرها و دباخانان و مایشورین آنها، دختراهای دم بخت روستاییان را که هوق نشده بودند قرضشان را سر موعد پرداخت کنند، یا بخود میبرند، چگونه ممکن است این روستاییان بار دیگر خواهان بازگشت آن وضع گذشته باشند؟ سر و صداها آنطور که می گویند بیشتر از روستاهای نزدیک مرز پاکستان بلند می شود. در این روستاها مالکین و کسان را در بالای نامشان را در برید مانع اجرای برنامه های دولت می شوند و با شمار هائی از این دست که تقسیم زمین بین روستاییان اسلامی نیست و... از سادها دلی روستاییان استفاده می کنند و آنها را به ایجاد آسوب و امیدارند.

در افغانستان بعد از انقلاب، بواقع کسی بعد این کسی کاری ندارد. هر کسی می تواند اعتقادات خودش را داشته باشد و به آن عمل کند، ولی از توطئه های ظنی آنچه که در مرزهای پاکستان انجام میشود وزیر نام اسلام دروغین از تقسیم زمین بین روستاییان جلوگیری میشود، مقله می شود. مرکز بخش دروغ راجع به انقلاب افغانستان، پاکستان است که میلوونها انسان در آنجا با فقر و فلاکت زندگی می کنند و حکومت دیگتاتوری آن زیر نام اسلام دروغین با مردم مثل برده رفتار میکند. آنهایی که بیشتر از ما از سیاست سر درمی آورند، میگویند پاکستان و ملتش مقصر نیستند، دولت حاکم بر آنجا، بدستور امریکا علیه افغانستان توطئه میچیند. اینکه میگویند روحانویون زیر فشار نیستند، دروغ است. شاید «روحانویون» وضع فلاکت بار گذشته را به افغانستان بازگردانند. خود می دویار پس از پیروزی انقلاب به کابل و هرات رفتهم. در هر دو بار برای شرکت در تظاهرات انقلابی راهی این دو شهر شدم و در هر دو بار در کنار سخنرانان تظاهرات، چند روحانی نوز برای مردم صحبت کردند و آنها را تشویق نمودند که از انقلاب پشتیبانی کنند و کشور تازه ای را بسازند.

بهر کسی صحبت کردم درباره ایران نظر خبوشی داشت و میگفت، ما فکر می کردیم پس از پیروزی انقلاب در ایران، مایک دوست بزرگ در کنار خودمان پیدا کرده ایم، که پارلمان خواهد کرد تا انقلابمان به پیروزی کامل برسد. اما تالشهایی ظاهر در جریان است که از این نزدیکی دولت جلوگیری کند و این کار با دگرگون جلوه دادن واقعات افغانستان آسان شده است.

تصویر و پیام امام را پاره کرد جوان سرخ موی آمریکائی

در مقابل سفارت آمریکا در جلوی چشمان صدها هزار تظاهر کننده در تظاهرات ضد آمریکائی روز پنجشنبه

در روز ۱۰ آبان، که به ندای امام میلوونها تن از مردم ایران پاسخ گفتند و بیستونگ از توطئه های روز بروز فزونی را برپا کردند آمریکا بر علیه انقلاب ایران به خبا با تهاش کردند و نفرت و خشم خود را از آمریکا برپا کردند. پس کردگی آمریکا را اعلام داشتند، پیش از آنکه مردم را در خشمگین سازد، آنها را در حورت فرورد، و این حیرت زن چند لحظه ای بیاید. نهمها بسرعت اوج گرفت. مردم مابوهشدهای ما توهین شده است. ۷۰۰ هزار شهید دادیم، حالا آمریکا در خالها با این وقاحت بهر بر ما توهین میکند. و غرض خشم و نفرت، نهمها را محور کرد. «قرارداد دوجانبه با آمریکا ملغی باید گردد». «دوبه گفته خمینی آمریکای آمریکا، دشمن سرسخت ماست». «سفارت آمریکا، این لانه جاسوسان تعطیل باید گردد».

میزان جرات و وقاحت این یا نکی سرخ موی، که دهها سال اربابان نشی منای ثروت کشور ما را اغانت کرده و دهها هزار تن از مردم کشور ما را به جرم آزادیخواهی و مین دوستی و حق طلبی ازین سرده بودند، تا به آن حد بود که ابتدا، پیش از آنکه مردم را در خشمگین سازد، آنها را در حورت فرورد، و این حیرت زن چند لحظه ای بیاید. نهمها بسرعت اوج گرفت.

از میان رؤسای دولتی که در کنفرانس ها و انجمن های فیدل کاسترو که در مردم به چاپ رسیده و فام و دو ننگ، نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام نیز نطق جالب و مهمی ایراد کرد. از آنجا که این نطق نیز در مطبوعات ایران چاپ نرسیده، که اخیراً این نطق را بدست آورده- متن آنرا به اطلاع خوانندگان گرامی می رساند.

دوستانه از عوامل مؤثر پیروزی خلق ویتنام بر امریکالیسم

دوستانه از عوامل مؤثر پیروزی خلق ویتنام بر امریکالیسم

دوستانه از عوامل مؤثر پیروزی خلق ویتنام بر امریکالیسم

دوستانه از عوامل مؤثر پیروزی خلق ویتنام بر امریکالیسم

اخبار کارگری

ساعتی با کارگران شرکت ساختمانی مهک

در تاریخ ۱۶/۷/۵۸ عده ای از کارگران شرکت ساختمانی مهک برای دریافت حقوق معوقه خود در خیابان تخت جمشید اجتماع کرده بودند. خیر نیکار مردم با چند نفر از کارگران مصاحبه ای انجام داد که در زیر میخوانید:

س- چرا این عده اینجا جمع شده اند؟
ج- ما کارگران شرکت ساختمانی مهک هستیم و برای حقوق عقب افتاده خود اینجا جمع شده ایم.
س- چند روز است که اینجا می آید؟
ج- خود من ۱۵ روز متوالی است که اینجا می آیم.
س- خوب تا به حال چکار کرده اید، آیا حرفتان به جای رسیده؟

ج- از دیروز تا به حال بوسیله نماینده وزارت کار شروع کرده اند به تسویه حساب کارگران و حالا ما بقیه آنها هستیم.
س- این شرکت مال چه کسانی است و چرا تعطیل شده و از چه زمانی تعطیل شده و شما کار این شرکت ساختمانی بیشتر در کجا است؟
ج- این شرکت مال چند نفر سرمایه دار بود که در زمان انقلاب فرار کردند و با تعطیل شدن این شرکت ما هم بده و شهرهای خودمان رفتیم و همه کسانی که می بینی اینجا جمع شده ایم از شرکت چند ماه حقوق طلب داریم و الان در حدود ۹ ماه است که اکثراً بیگار هستیم و ماهی است که بخاطر وصول طلب خود در بدر شده ایم.
س- شما کارگران ساده هستید؟
ج- نه چون مادر چاه بهار کار می کردیم، بیشتر کارگران ساده مال همان جاها هستند، خیلی ها شان بلوغ بودند و اینها که می بینید تبار اوله کش و شوقا کارور... خلاصه همه فنی هستند.

در سازمان آب و برق خوزستان

در زمان طاغوت، کارگران و کارمندان این سازمان یکسری مطالبات داشتند که به مقدار آن آنها جواب مثبت داده شد و بقیه بی جواب مانده است. این خواستها عبارتند از:
۱- دادن وام مسکن یا خانه های سازمانی به کارگران و کارمندان.
۲- مشخص شدن وضع بیمه بازنشستگی.
۳- مشخص شدن وضع حقوق در دوران بازنشستگی.
۴- اضافه کردن حقوق (دادن ضرب ۸۰ به ۹۰ و ۹۰ به ۱۰۰).
۵- مشخص شدن وضع سازمان، که جزء کدام وزارتخانه است، پرداخت اضافه کار، کلمه کارکنان این سازمان تا کنون بخاطر دستور امام درباره جهاد سازندگی و نیز بخاطر آرامش

در زمان طاغوت، کارگران و کارمندان این سازمان یکسری مطالبات داشتند که به مقدار آن آنها جواب مثبت داده شد و بقیه بی جواب مانده است. این خواستها عبارتند از:
۱- دادن وام مسکن یا خانه های سازمانی به کارگران و کارمندان.
۲- مشخص شدن وضع بیمه بازنشستگی.
۳- مشخص شدن وضع حقوق در دوران بازنشستگی.
۴- اضافه کردن حقوق (دادن ضرب ۸۰ به ۹۰ و ۹۰ به ۱۰۰).
۵- مشخص شدن وضع سازمان، که جزء کدام وزارتخانه است، پرداخت اضافه کار، کلمه کارکنان این سازمان تا کنون بخاطر دستور امام درباره جهاد سازندگی و نیز بخاطر آرامش

سخنرانی فام و دو ننگ نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام در کنفرانس ها و انجمن های فیدل کاسترو

نطق جالب و مهمی ایراد کرد. از آنجا که این نطق نیز در مطبوعات ایران چاپ نرسیده، که اخیراً این نطق را بدست آورده- متن آنرا به اطلاع خوانندگان گرامی می رساند.

از میان رؤسای دولتی که در کنفرانس ها و انجمن های فیدل کاسترو که در مردم به چاپ رسیده و فام و دو ننگ، نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام نیز نطق جالب و مهمی ایراد کرد. از آنجا که این نطق نیز در مطبوعات ایران چاپ نرسیده، که اخیراً این نطق را بدست آورده- متن آنرا به اطلاع خوانندگان گرامی می رساند.

از میان رؤسای دولتی که در کنفرانس ها و انجمن های فیدل کاسترو که در مردم به چاپ رسیده و فام و دو ننگ، نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام نیز نطق جالب و مهمی ایراد کرد. از آنجا که این نطق نیز در مطبوعات ایران چاپ نرسیده، که اخیراً این نطق را بدست آورده- متن آنرا به اطلاع خوانندگان گرامی می رساند.

از میان رؤسای دولتی که در کنفرانس ها و انجمن های فیدل کاسترو که در مردم به چاپ رسیده و فام و دو ننگ، نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام نیز نطق جالب و مهمی ایراد کرد. از آنجا که این نطق نیز در مطبوعات ایران چاپ نرسیده، که اخیراً این نطق را بدست آورده- متن آنرا به اطلاع خوانندگان گرامی می رساند.

از میان رؤسای دولتی که در کنفرانس ها و انجمن های فیدل کاسترو که در مردم به چاپ رسیده و فام و دو ننگ، نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام نیز نطق جالب و مهمی ایراد کرد. از آنجا که این نطق نیز در مطبوعات ایران چاپ نرسیده، که اخیراً این نطق را بدست آورده- متن آنرا به اطلاع خوانندگان گرامی می رساند.

مبارزه طبقاتی تشدید میشود

□ انقلاب بزرگ مردم ایران حق ندارد در نیمه راه متوقف بماند
□ بدون حل مسئله «عدالت اجتماعی» هیچگونه پایه واقعی برای استقلال و دموکراسی پدید نخواهد شد

در کنار مبارزه با امپریالیسم آمریکا، مبارزه طبقاتی بین «کاخ نشینان» و «کوخ نشینان» (بنابه یک اصطلاح امام) تشدید میشود. امام خمینی در سخنرانیهای اخیر خود بار دیگر گفته های گذشته خویش را مکرر تأکید کرده و گفت که وی با کسانی است که انقلاب ایران را علیه شاه به ثمر رسانند، یعنی وی در کنار زحمتکشان و در برابر بهره کشان است. امام خمینی پس از ترور آیت الله قاضی طباطبائی (که بلافاصله بعد از نمازهای ضدامپریالیسم آمریکا در تبریز رخ داد و دو جانب است که این ترورها همیشه پس از تظاهرات ضدامریکائی روی میدهد) گفت که باید با خونخواری از کنار این توطئه ها گذشت و جامعه را بسوی رهائی از استثمار و استثمار سوق داد.

روایع مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه بهره کشی سرمایه داران بزرگ و زمینداران بزرگ وابسته به امپریالیسم جدا نیست و این نکته، یعنی مبارزه علیه بهره کشی دمیسم در انقلاب ایران برجستگی بیشتری کسب می کند، زیرا خود زندگی این سؤال مرکزی را مطرح می کند، آیا اقتصادی که در صورت طوفانی ما بر پایه غارت مولدان بلاواسطه شهروند و انگلیزمنشی و شیوه های متقلبان و قمار بازیهای مختلف با زمین و وام و سفته و واسطه کارها و لالی ها و امانت آن مبتنی است، می تواند پایه مادی و معنوی استقلال کشور را، اساس نبرد کشور ما علیه نو استثمار قرار گیرد، یا برعکس، چنین اقتصادی تنها ستم نفاذ نفوذ امپریالیسم و تشدید وابستگی است؟

بر اساس این اقتصاد غیر مولد، طفیلی و کلاه برداران، جمعی در این کشور به آلوده لایق رسیده اند که در مجموع جامعه سی و پنج میلیونی ما در اقلیت هستند، اکثریت هنوز در اولیه ترین و عمده ترین مسائل مانند تقلب سالم، مکر، بیمارستان دستان، آب، برق، قریب سام، کار تأمین شده، پیری تأمین نشده و غیره درگیرند. بین آن زندگی که طاغوتیان، بی مروت، بر اساس آن اقتصاد تفلز آمیز، برای خود روبراه کرده بودند و این زندگی، که اکثریت شکننده مردم کشور را غارت می کند، دغدغه عینی است. آیا انقلاب بزرگ مردم حق دارد از کنار این مهم ترین معضل اجتماعی بگذرد و در راه استقرار عدالت اجتماعی نکوشد؟ استقلال بدون عدالت اجتماعی چگونه ممکن است؟ کشوری دارای اقلیت غارتگر و اکثریت غارت شده چگونه ممکن است مستقل بماند؟

روشن است که در چنین کشوری اقلیت غارتگر سرپا به سراغ اقلیت های غارتگر جهان سرمایه داری و قدرتمندترین آنها، یعنی محافظ امپریالیستی می رود و بهر چنان خجالتی، مانند سلسله پهلوی و آستان بوساش، برای حفظ امتیازات اقلیتی خود تن در میدهد. در «جهان سوم»، نظام سرمایه داری با سرعت یک الیگارش غارتگر و خائن وجود می آورد که همه چیز را فدای سود خود و ارباب می کند. اگر در ایران سرمایه داری دوباره پا بگیرد، چیزی نمی گذرد که الیگارش «تازمان» جاننشین الیگارش (یعنی حکومت جمعی محدود، ولی ممتاز و مسلط) پهلوی می گردد. تنها یک نظام خلقی و حاکمیت خلقی می تواند حاکمیت مستقل باشد. تنها یک نظام خلقی مبتنی بر عدالت اجتماعی می تواند نسبت به حفظ استقلال کشور توجه واقعی مبذول دارد. استقلال واقعی (بمعنای استقلال اقتصادی و

استقلال سیاسی) و دموکراسی واقعی (بمعنای حقوق دموکراتیک همراه با آزادیهای دموکراتیک) دو طرف یک سکه اند. یکی بدون دیگری ممکن نیست. این تاریخ در عمل بارها ثابت کرده است. اگر انقلاب بزرگ ما، که نادر وظیفه حیاتی نبل به استقلال و دموکراسی واقعی انجام گرفته، نتواند هر دو آنها را تأمین کند، خونهای پاک شهیدان بهدر رفته است.

امپریالیسم و سرمایه داری بزرگ و زمینداری بزرگ وابسته، که به مقامات معینی در دولت و روحانیت امید بسته اند، با استفاده از همه نیروهای ضد انقلابی، با استفاده از همه نیروهای تحت عنوان شمارهای «جیب»، مغرضانه یا مسمومانه، به میدان آمده اند، از رفرش انقلاب و سپر آن سوی دموکراسی خلقی سخت تر از زده شده اند، واکنش های جنون آمیزشان دلیل بر هراس زدگی آنهاست.

این سانوان و آقایان مزین و معطر، که آمریکا و کشورهای اروپای غربی منزل لکاه دائمی و خوشبودن به هر قیمت، تنها شمار حیاتی آنهاست، با احساس حرکت عمومی جامعه بسوی زرفش انقلاب، سخت به هیجان آمده اند. شما منتظر نباشید که آنها بگویند: «ما عصبانی هستیم، زیرا امتیازات طفیلی وار و ضد اجتماعی ما و حامیان ما به خطر افتاده است» چنین اعتراض از این موجودات بی وجدان و پوک نخواهد شنید. آنها میگویند: «ما عصبانی هستیم، زیرا آزادی در خطر است»

زیرا «فالاتریم و آخوندیسم» می آید؛ زیرا «مغزها» فرار میکنند؛ زیرا «فرهنگ و تمدن ایرانی در معرض تهدید است»؛ باید از آنها پرسید، شما پرورش یافتگان مکتب استبداد پهلوی، شما ریزه خواران غارتگر آن امپریالیستی و سلطنتی، چرا طی شش سال اخیر برای جامعه دشواری نمی گردید و به هیجان نمی آمدید؟ آری اگر هم نسبت به رژیم گذشته گام چند قدمی محافظت کرده باشید، برای آن بود که از حرص و آزبی و پاران شاه و شهبانو، و الا حاضر تها و الا گوهرها، که مانع غارت بیشتر شام میشدند، ناراضی بودید. شما در یک نظام مصرفی و انگلیز پرور، لوس و پیر مدعا و پر توقع و خوشگذران و ارباب منتر و رشید خود خواه بار آمده اید. در یک کلمه، تبا شده اید. اگر انقلاب در قبال این پدید آمده تباهی سکوت کند و بجای بر نخیزد، خود جارت های وانحطاط میشود. انقلاب حق ندارد در مقابل تناقض شنید فقر و غروت، در قبال تورم دستگام دولتی، در قبال انکلسم و کلایر داری، در قبال خود خواهی های ضد خلقی و ضد میهنی خاموش بنشیند. چنین خاموشی خجالت به خون شهدا و آزما نهایی مردمی است. اشتباه کرده اید اگر تصور میکنید با حرفهای مشکوک می توانید در این نبرد بزرگ، که در گرفته است، پیروز شوید. تاریخ در مجرای دیگری سیر میکند.

مشی امام خمینی، که حزب ما آنرا در چهار نکته، «مبارزه علیه امپریالیسم»، «حمایت از مستضعفین علیه مستکبرین»، «دفاع دیکتاتوری و دعوت خلق به وحدت کلمه»، تلخیص کرده و مورد پشتیبانی قرار داده، نشانگر آنست که انقلاب و رهبری آن قصد ندارند در نیمه راه بمانند. توده های وسیع جامعه ما مکرر در مکرر این مشی را مورد تأیید قرار داده اند.

مبارزه طبقاتی تشدید میشود. ضداقلاب (یعنی امپریالیسم و بقایای رژیم گذشته) مایمل است این مبارزه را به درگیریهای فاجعه آمیز بکشاند. نیروهای انقلابی باید هشیار باشند، متحد باشند، آماده برای نبرد باشند، و با این هشیار، اتحاد و آمادگی ضداقلاب را با شکست قطعی مواجه سازند و انقلاب را تا پرزوی قطعی و نهائی به پیش برند.



گوشه ای از مراسم ۱۳ آبان در زمین چمن دانشگاه تهران

حساب خلق کرد از توطئه گران جداست

خونسردی و روشن بینی و پندگبری از حواض، همه کسانی که حسن نیت دارند، امکان داد که این بار دیگر بدام نیفتند بسیار کوششند تا تعصبات و تنگ نظریها بر عقل و منطق غلبه کند و شمارهایی داده شود که انظار را بسوی جنک و پورش، تفنگ و گلوله متوجه نماید. ولی هر کسی که هشیار و واقعا انقلابی بود، بدرستی دست امپریالیستها را میازاید و حساب خود را از حساب توطئه گران و تحریک کنندگان و آتش افروزان جدا کرد.

باز دیگر در حوادث خونبار کردستان دیده شد که دست جنایت بار امپریالیسم حتما و الزاما به نام شامسابق و ساواکی اعلام شده عمل نمیکند، بلکه میتوانند از آستین آنچه جیب افراطی نام گرفته ولی هیچ وجه مشترکی با جیب راستین، یعنی طرفداران خلق زحمتکش ندارند و در واقع جیب نمائی است، بیرون آید. گفته میشود که یکی از سازمان دهندگان اصلی وقایع اخیر و حمله بستون ارتشی، حلال الدین حسینی است. جلال الدین بقراریکه گفته میشود وابسته به یک سازمان مائوئیستی بنام «سازمان انقلابی زحمتکشان» کرده است این سازمان مائوئیستی زیر چنین نام عوام فریبی های مستقیما با سهو و نیتها و امریکائیها

دردمان است. زندگی نشان داده است که مائوئیستها قسط لباس «جیب» در بر دارند و گرنه با راست ترین محافل دست در دست هم می نهند تا علیه منافع انقلاب توطئه بهچینند. آنها در لباس «جیب» خوراک به توطئه گری ضداقلاب و راستهای افراطی میدهند. آنها هیچگونه وجه مشترکی با منافع واقعی خلق کرد و با حق مسلم این خلق بخود - مختاری اداری و فرهنگی در چارچوب ایران واحد و مستقل و آزاد ندارند. آنها تنها مبارزه و حق مسلم خلقی را مایه تحریکات و نقشه های شیطانی امپریالیسم امریکا ساخته اند. امید فزاینده همگان آنست که مردم کردستان، بدون آنکه تسلیم این تحریکات شوند، با پشتگی و سر بلندی و با استفاده از موقعیتی که برای آنها کرده مسالمت آمیز بخاطر رسیدن به اهداف حق خویش بدست آورده اند، راه درست را میپیمایند راه دست همین جدا کردن حساب خویش از حساب توطئه گران و ضداقلابیهاست. در هر قیافه ای که باشند، چه ساواکیهای مجلس بلباس کردی و چه مائوئیستهای توطئه گرومگار ضداقلاب منتهی در لاف جملف بردازی چنپا راه دست مبارزه یکسیر در راه تقویت انقلاب و

سؤال از وزارت دفاع ملی و وزارت امور خارجه

آیا درست است که سرهنگ هالندو درجه دار سوویک، چتر بازان امریکائی، هنوز جزو گروه مستشاران نظامی آمریکا در نیروی هوایی مشغول خدمت اند؟
آیا درست است که این آقایان قرار است به کردستان پرواز کنند؟
مپرسیم: مستشاران نظامی امریکادری نیروی هوایی ایران چه میکنند؟
مپرسیم: ماموریت چتر بازان نامبرده در کردستان چیست؟



اتحاد شوروی پشتیبان خلق فلسطین است کفرانی همستی با اعراب و آرمائز فلسطین در لیبون تشکیل شد. در این کفرانی نمایندگان اعراب، کشور های سوسیالیستی و سازمان های مترقی جهان شرکت کردند. پاسر فات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، در این کفرانی گفت که امپریالیسم آمریکا از سیاست های فاشیستی سیهو نیتها حمایت میکند. عرفات اخطار کرد که خاور میانه مانند بشکه باروت است. لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی در پیامی به این کفرانی اعلام کرد که اتحاد شوروی قاطعانه از آرمان اعراب و خلق فلسطین حمایت می کند.

کشورهای سرمایه داری غرب در سال آینده نیز با کسادی روپرو خواهند بود
پیچ انستیتوی اقتصادی مهم آلمان فدرال در گزارش مشترکی اعلام کردند که کشورهای سرمایه داری ایزال آینده نیز همچنان با کسادی دست بگریبان بوده و رشد اقتصادی این کشورها سال آینده حتی ایزال جاری نیز کدرتر خواهد بود. به گزارش خبرگزاری فرانسه، این موسسات معتبر اعلام کردند که رشد واقعی این کشورها در سال آینده تنها ۱٫۲ درصد خواهد بود این موسسات اضافه کردند که این مقدار رشد باعث افزایش بیکاری میشود و در نتیجه تشجیات اجتماعی فراوانی نیز دامنگیر کشورهای غربی خواهد شد.

ویتام کمک اتحاد شوروی را فراموش نمیکنند
رهبران اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام بنامست نخستین سالگرد امضاء پیمان دوستی و همکاری دو کشور همسایه ایی مبادله کردند. لئونید برژنف در پیام خود به رهبران ویتنام گفت که اتحاد شوروی به ساختمان سوسیالیسم در ویتنام کمک میکند. در حال حاضر صدها طرح صنعتی و کشاورزی بکمک اتحاد شوروی در ویتنام ساخته میشود. رهبران ویتنام از جمله لهدوان اعلام کرده اند که مردم ویتنام هرگز کمک های برادرانه اتحاد شوروی را فراموش نمیکنند.

وزیر دفاع کوبا تحریکات نظامی امپریالیسم را محکوم میکند
رائول کاسترو وزیر دفاع کوبا تحریکات نظامی امپریالیسم آمریکا در دریای کارائیب را محکوم کرد. رائول کاسترو گفت که این تحریکات، خطرناک و غیر قابل توجیه است. وزیر دفاع کوبا یاد آور شد که آمریکا با اعزام کشتی های جنگی جدید به دریای کارائیب نشان میدهد که برای حق حاکمیت کشورهای نیمکره غربی ارزش قابل نیست.

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود